

- مسائل توسعه آذربایجان شرقی •
- توسعه شهرستان میانه با تاکید بر صنعت •

---

• دکتر ابراهیم رزاقی •

---

بحث توسعه با نگرش های گوناگونی مطرح است، که از آن جمله توسعه مستقل یا درون ز می باشد، که این مقاله با دیدگاه مزبور به نگارش درآمده است. به دلیل تاثیر و خیم سیاست های توسعه اقتصادی و به ویژه توسعه صنعتی ای که در این هفتاد سال در کشور به اجرا درآمده و نیازمندی کشور را به خارج دم افزا کرده و تنها یک منبع را برای تامین واردات از خارج پدید آورده که صدور نفت خام می باشد، دیدگاه رایج توسعه اقتصادی کشور می تواند مورد سوال قرار گیرد. نتایج الگوی توسعه اقتصادی ایران علاوه بر وابستگی اقتصادی، علمی و فنی کشور به خارج، گسترش مصرف عمومی را بدون ارتباط با تولید داخلی سبب شده که با توجه به رشد جمعیت و نپیی شدن منابع نفتی، تداوم آن امکان ناپذیر است.

به دلیل پذیرش الگوی مصرف وارداتی و خدشه دار شدن هویت ملی زیر تاثیر هجوم فرهنگی، انتقال سرمایه های ملی به خارج و انتقال نیروهای انسانی اعم از ساده و ماهر، شرایطی را در کشور پدید آورده که راه حل توسعه اقتصادی را

تنها در عرصه اقتصادی نمی‌توان جستجو کرد. آثار ویرانگر توسعه وابسته که همه کشور را فرا گرفته، گرچه باید از طریق استفاده از 'هرم‌های اصلی در سطح کلان از میان برداشته شود، ولی بالاخره حرکت اصلاح‌گر می‌باید در همه نقاط کشور به اجرا درآید و از جمله در آذربایجان شرقی و شهرستان میانه.

### بخش اول - توسعه و عدم توسعه به لحاظ نظری

بحث رشد و توسعه که در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی به لحاظ نظری و چه تجربی مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و دولتمردن و روشنفکران در کلیه کشورها قرار گرفته، به دلیل مشابه فرض کردن توسعه در کشورهای توسعه‌نیافته کنونی با کشورهای توسعه یافته در گذشته و تأکید یک‌طرفه بر عامل اقتصادی واحد نادیده گرفتن سایر عوامل توسعه، اکنون به بحثی بی‌نتیجه برای توسعه تبدیل شده است. در واقع شرایط درونی توسعه در کشورهای درحال توسعه کنونی به دلیل تأثیر کشورهای توسعه یافته به‌ویژه از نقطه نظر عدم واکنش می‌سرمایه‌داران و عدم دفاع از تولید و بازارهای داخلی واحد جنگ و ستیز علیه سرمایه‌داران خارجی، کاملاً مغایر وضع کشورهای توسعه یافته در گذشته است.

بیش از یک قرن مبارزه بی‌نتیجه در ایران، سرمایه‌داران داخلی را به تدریج به مشارکت با سرمایه‌داران خارجی و تأمین سود خود از این راه کشانیده است. ضمن این که سرمایه‌داران داخلی به‌همین دلیل در شرایط رقابتی مشابه وضع گذشته کشورهای صنعتی، در داخل تولید و توزیع نمی‌کنند، بلکه به اشکال گوناگون انحصاری و شبه انحصاری سودهای آسان، هنگفت و حتی المقدور پنهان را برای خود تأمین می‌کنند. بدین لحاظ امر توسعه در جهان سوم و ایران را نمی‌توان مشابه گذشته کشورهای صنعتی به بخش خصوصی به تنهایی واگذاشت و انتظار همان نتایج را داشت. با نگرش غیرملی بخش خصوصی، به‌طور عمده به سودهای به‌دست آمده، علاوه بر صرف شدن در امور کاملاً تجمعی و اصراف کارانه، در مستغلات، اشیاء قیمتی و غیره متراکم می‌شود و یا به خارج

منتقل شده و از دسترس تولید ملی به طور قطع خارج می‌شود. در این مقاله با چنین نگرشی به توسعه است که به نقش بخش دولتی به عنوان هادی، مسئول، نظم‌دهنده، مشوق و مجازات‌کننده بخش خصوصی، و تامین‌کننده امنیت خاطر برای آن، تاکید می‌شود و در همین راستاست که وجود برنامه توسعه و حرکت مسئولین دولتی و بخش خصوصی و مردم برای تحقق رشد و توسعه، ضرورت می‌یابد.

نارسایی دیگر در نظریه‌ها و تجربه‌های توسعه پس از جنگ دوم جهانی چه در مکتب سرمایه‌داری و چه در مکتب سوسیالیستی همان گونه که اشاره شد توجه بیش از حد به عامل اقتصاد در توسعه است. گاه توسعه را تنها در یکی از عوامل جزء اقتصادی مثلا سرمایه، صنعت یا ماشین‌آلات و اخیرا تکنولوژی به عنوان مجموعه نرم افزار و سخت‌افزار در تولید و توزیع خلاصه کرده و لازمه توسعه را رشد کمی آن دانسته و بر این باوراند که با رشد کمی، خودبه‌خود دیگر گونی‌های کیفی حاصل خواهد شد.

بدهی‌های گسترده جهان سوم، تخلیه عظیم منابع طبیعی آن‌ها، فقر اکثریت مردم و دیگر نشانه‌های توسعه نیافتگی، بیانگر نارسایی این نظریه‌ها است. به واقع در تعریف علم اقتصاد که از مقوله تولید، توزیع و مصرف در شرایط محدودیت منابع و امکانات و نامحدود بودن نیازها و لزوم اعمال مدیریت برای تامین حداکثر نیازها، گفتگو می‌شود، از نقطه نظرهای متعددی ارتباط متقابل فعائیت اقتصادی و یا عامل اقتصادی با دیگر عوامل زندگی انسانی را نشان می‌دهد. اگر عوامل اجتماعی و چگونگی ایفای نقش طبقاتی، تاثیرگذار بر توسعه اقتصادی است، نگرش افراد یک ملت به امر توسعه و واکنش‌های آنان و بالاخره رابطه دولت با مردم، ارتباط متقابل عوامل فرهنگی و سیاسی را نیز با توسعه اقتصادی نشان می‌دهد.

ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه، مشابه دیگر کشورها علاوه بر عوامل درونی، توسعه‌اش در ارتباط متقابل با دیگر کشورهای جهان، به ویژه کشورهای صنعتی نیز قرار می‌گیرد و به همین دلیل توسعه آن با توجه به

واکنش‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی دیگر کشورها به ویژه کشورهای صنعتی، ممکن می‌گردد.

### بخش دوم - علل توسعه نیافتگی

در بیان علل توسعه نیافتگی جهان سوم و از جمله ایران نظریه‌های بسیاری ارائه شده که از دیدگاهی کلی، به عمده کردن عوامل برون‌ی و با عمده کردن عوامل درونی، به تاکید بیش از حد به عوامل اقتصادی یا سیاسی و غیره انجامیده است، ولی بخش اعظم نظریه‌ها نشانه‌های توسعه نیافتگی از جمله وجود فقر و درآمد ملی، پس انداز و سرمایه‌گذاری ملی اندک، فقدان صنعت جدید، نبود و یا کمبود آموزش و پژوهش، ناتوانی مدیریت و غیره را به جای علل توسعه نیافتگی فرض کرده در نتیجه به ارائه راه‌حلی متناسب با آن‌ها برای از میان برداشتن توسعه نیافتگی، پرداخته‌اند.

این نظریه‌ها عمدتاً با نادیده گرفتن پیشینه توسعه در کشورهای در حال توسعه کنونی و اصولاً نفی وجود پدیده توسعه و توسعه نیافتگی پیش از پیدایش سرمایه‌داری در اروپا با نگاهی اروپا مرکزی به بیان علل توسعه نیافتگی و ارائه راه حل برای آن اقدام کرده‌اند. در حالی که توسعه به طور کلی با ابعاد گوناگون آن، سابقه‌ای کهن به درازای تمدن بشری دارد و ضمن نسبی بودن در زمان و مکان، پایان‌ناپذیر و پرفراز و نشیب و بسیار متنوع از نظر کشورهای پیش‌برنده آن بوده و می‌باشد. منتها آن‌چه که پس از پیدایش سرمایه‌داری بر جهان گذشته، با جهانی کردن اقتصاد و بازارها، ارتباطی تنگاتنگ بین کشورها پدیدار شده که به طور ماهوی اقتصادهای عقب مانده جذب اقتصادهای پیشرفته شده و گروه دوم با استفاده از موضع مسلط خویش مانع از دگرگونی مطلوب در کشورهای در حال توسعه می‌شوند. بدین ترتیب علاوه بر نابهنجاری ساختار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که بر اثر تاثیر دوران‌های استعماری و نواستعماری در کشورهای در حال توسعه پدید آمده، عوامل برون‌ی نیز در تداوم این وضع ایفای نقش می‌کنند.

با پدیدار شدن صنایع ماشینی در شرایط وجود رقابت آزاد، اروپا برای پاسخ به در نیاز عمده خویش از مستعمرات به گونه‌ای جدید سود جست. تولید ماشینی نیاز به مواد اولیه فراوان و ارزان چه در زمینه مواد کشاورزی، معدنی و به‌ویژه سوخت و انرژی داشت و تامین آن با تحمیل مزد ارزان در مستعمرات، اقتصادی‌تر از کشورهای اروپایی بود. سلطه استعماری بر کشورهای غیراروپایی، دسترسی به مواد مزبور را فراهم ساخت. تولید صنعتی ماشینی که تولید و توزیع را از محدودیت‌های فیزیکی انسان، دام و نیروی باد (برای کشتی‌رانی) خارج ساخت، اقدام به تولید و توزیع انبوهی از کالاها کرد که نخست بازارهای محلی را به بازارهای ملی تبدیل کرد و سپس در گام بعدی بازارهای بین‌المللی را پدید آورد، که در آن‌ها تعداد تولیدکننده‌های اندک نه تنها برای کشور خویش، بلکه برای کشورهای متعددی تولید کردند. با توجه به رقابت تولیدکنندگان در داخل کشورهای اروپایی و در سطح جهان، گذشته از تبدیل شرایط رقابتی به شرایط شبه انحصاری و انحصاری در اثر ادامه روند تولید انبوه‌تر برای کاهش بیشتر هزینه‌ها، اضافه تولید و نافرورش ماندن تولیدات صنعتی، کشورهای پیش‌افتاده را متوجه مستعمرات و سپس نومستعمرات برای جستجوی بازار کرد. بدین ترتیب دو حلقه اساسی خرید مواد اولیه ارزان از کشورهای توسعه نیافته و فروش تولیدات صنعتی به آن کشورها، دوران جدیدی را از نظر سطره کشورها پدیدار آورد که در تاریخ بشری بی‌نظیر است. بدین ترتیب که خام‌فروشی و ساخته‌شده خریدن در یک سو و خام خریدن و ساخته‌شده فروختن در سوی دیگر، دو جزء مکمل تقسیم کار بین‌المللی جدید را پدید آورد.

با توجه به امکانات و نقش برتر کشورهای صنعتی، رابطه مبادله از همان ابتدا با ایجاد انحصار خرید مواد خام و انحصار فروش کالاهای صنعتی تنظیم شد که کشورهای خام‌فروش به‌طور مداوم مازادهای اقتصادی و اجتماعی خویش را به شک‌های گوناگون از دست داده و می‌دهند. ابتدا صنایع دستی مستعمرات که کالاهایی مشابه تولیدات صنایع اولیه اروپا تولید می‌کردند با استفاده از شرایط

استعماری و نیمه استعماری (در ایران با شکست نظامی ایران از روس و انگلیس و تحمیل قراردادهای گوناگون به کشور آغاز شد) به تدریج از میان رفت و کالاهای مشابه خارجی جای آن‌ها را گرفت. در مرحله بعد یا نواستعماری، پیش‌افتادگی بسیار فاب ملاحظه کشورهای صنعتی و دیگر گونی در الگوی مصرف جهان سومی‌ها، بر فهرست واردات کالاهای ساخته شده مصرفی جهان سوم، وسایل تولید، وسایل حمل و نقل، سلاح، وسایل ارتباطی و مخابراتی و انواع مواد واسطه برای صنایع داخلی و مواد غذایی و دارویی نیز اضافه شد، در حالی که در ویژگی خام فروشی جهان سوم و تک محصولی آن‌ها تغییری اندک پدید آمد.

همراه با پذیرش الگوی توسعه و مصرف از طریق واردات و جبران آن به وسیله صادرات تک محصولی، در شرایط نواستعماری، و پیش‌افتادگی همه جانبه کشورهای صنعتی، از خود بیگانگی عمیق فرهنگی پدید آمد، که دیگر برای تداوم رابطه نابرابر پیشین نیاز به استفاده از ابزارهای نظامی و سیاسی از سوی کشورهای صنعتی ضروری نیست، بلکه کشورهای جهان سوم در پی تحقق سودای توسعه خود، همان روابط پیشین را با واردات همه نوع کالا و صادرات مواد خام تداوم می‌بخشند.

گرچه عوامل مختلفی - همان‌گونه که گذشت - شرایط کنونی را پدید آورده ولی مهم‌ترین محور آن، صنعت و امکانات آن در تولید و توزیع و مصرف کالاها و خدمات می‌باشد. بیش از هفتاد سال تلاش ایران برای صنعتی شدن، و صادرات چند ده میلیارد بشکه نفت خام و واردات چند صد میلیارد دلار، از یک سو نشانگر گزینش نادرست الگوی توسعه کشور (توسعه از طریق صنعتی کردن) و از سوی دیگر بیانگر عدم موفقیت آن به دلیل برون‌زایی صنایع و عدم پیوند آن با زندگی مردم و امکانات داخلی آنان است. صنایع موجود کشور که عمده‌ترین ویژگی آن وابستگی به ماشین‌آلات، مواد، قطعات و تکنولوژی خارجی است، در بهترین حالت طی عمر کوتاه تکنولوژیکی خود به گسترش مصرف تولیدات مشابه خارجی، یاری می‌رسانند، ضمن آن که قادر به صادرات تولیدات خود

نیستند.

در گذشته پیش از ادغام اقتصاد کشور در بازار جهانی، فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی، تجاری، حمل و نقل و ارتباطات، مجموعه‌های به هم پیوسته‌ای را تشکیل می‌دادند، که هر کدام با رشد خود موجبات رشد دیگر بخش‌ها را فراهم می‌ساختند، در حالی که پس از تسلط کامل سرمایه‌داری بیس‌المللی بر کشور و ادغام اقتصاد کشور در بازار جهانی، با ارتباط مستقیم هر بخش با خارج، نیازهای رشد و توسعه خود را هر بخش بدون ارتباط با دیگر بخش‌ها از خارج تامین می‌کند. به همین دلیل توسعه برون‌زایی در کشور پدیدار شده که تنها در جستجوی تامین مصرف داخلی است و آن هم از طریق واردات.

بحث رشد و توسعه صنعت با چنین سیمای ارائه شده‌ای، نمی‌توند صرفاً به خود مقوله صنعتی شدن خلاصه شود. صنایع می‌باید در ارتباط با امکانات داخلی (و از جمله امکانات کلبه شهرستان‌ها اعم از شهر میانه و دیگر شهرها و روستاهای این شهرستان) بنیان یا بند. بهم پیوستگی فعالیت‌های کشاورزی، معدنی و صنعتی از یک سو و علاقمندی به سرمایه‌گذاری مادی و معنوی در داخل و تولید برای رفع حیاتی‌ترین نیازها و مصرف تولیدات داخلی از سوی دیگر که در مشارکت مردم و مسئولین بازتاب می‌شود، الزامات اولیه رشد و توسعه درون‌زای صنعتی در کشور و از جمله در شهرستان میانه می‌باشد.

چندین نکته نظری در مورد شهر میانه قابل ارائه است: نخست این که شهر میانه کنونی و بخش کاغذکنان در گذشته شهر صنعتی بزرگی بوده‌اند که احتمالاً در اثر حمله مغول‌ها نابوده شده‌اند، منتها میانه بعداً رشد اندکی را آغاز کرد ولی کاغذکنان هرگز نتوانست تجدید حیات کند. با توجه به تاریخ گذشته سرزمین ایران، می‌توان عدم رشد و توسعه دوباره این شهرهای قدیمی را ناشی از دگرگونی در ساختار اقتصادی ایران زیر تاثیر ناتوانی شاهان قاجار، قراردادهای نحمیسی و روابط تجاری یک طرفه به نفع روس و انگلیس و الگوی توسعه اقتصادی برگزیده شده به وسیله رضاشاه و محمدرضا شاه دانست. توسعه برون‌زا که با وارد

کردن همه چیز از خارج شکل می‌گیرد باعث رشد و توسعه‌ای «وابسته» می‌شود. در شهرستان میانه که عمده فعالیت اقتصادی آن کشاورزی است، خام فروشی و کالاهای ساخته شده خریدن، در کلیه سطوح شهر و روستا رایج است، کالاهای خریداری شده توسط روستائیان از فروشندگان دوره گرد، دوبرابر قیمت شهر میانه است و تولیدات روستائیان نیز توسط واسطه‌ها به نصف قیمت شهر میانه خریداری می‌شود (شیر ۲۵ تومان خریده می‌شود، درحالی که در شهر میانه ۵۵ تا ۶۰ تومان هر لیتر آن است).

حالت روانی در میان مردم میانه دیده می‌شود که مشابه شهرهای بزرگ و تهران نسبت به کشورهای اروپایی است و آن تمایل به مهاجرت چه نیروی کار جوان اعم از ساده و ماهر و چه صاحبان ثروت و سرمایه است، به ویژه آن که مهاجرت‌های قبلی خویشان امکان کسب اطلاعات لازم و چندوچون آن‌را فراهم کرده است.

بدین ترتیب وجود پدیده خام فروشی و ساخته شده خریدن که مربوط به دوره قبلی است در کنار عامن فرهنگی - عدم باور به خود - و محل و ترجیح نهران و دیگر شهرهای بزرگ و در نتیجه مهاجرت نیروی کار و سرمایه، نه تنها در شهر میانه بلکه در اکثر قریب به اتفاق روستاهای آن مشاهده می‌شود. در مواردی که فردی معین و یا افراد یک ده به طور قاطع بر ماندن در روستا تاکید ورزیده‌اند، هم خودشان و هم روستاهایشان از وضعیت اقتصادی مناسب‌تری به دلیل ماندن و به کارگیری سرمایه‌های مادی و انسانی برخوردار هستند.

بخش سوم - سینمایی از شهرستان میانه

فصل اول - شهر میانه

جمعیت: از جمعیت حدود ۶۶ هزار نفری شهر میانه ۷۵ درصد متولدین شهر و بقیه از دیگر نقاط به این شهر کوچ کرده‌اند، که ۲۱/۲ درصد آنان از نقاط روستایی بوده است (سرشماری ۱۳۶۵ مرکز آمار ایران). این نکته در عین



مهاجر فرستی شهر میان به دیگر نقاط کشور، مهاجر پذیری این شهر را نسبت به روستاهای اطراف خود نیز نشان می‌دهد. بسته به این که افرادی که ساکن شهر میان شده‌اند و افرادی که آن‌جا را برای سکونت در دیگر نقاط ترک کرده‌اند، دارای چه مهارت‌ها و سرمایه و امکاناتی بوده‌اند، تاثیر این ورود و خروج نیروی انسانی در توسعه شهر تفاوت می‌کند. ولی می‌توان به عنوان یک فرضیه، وارد شدگان را که روستایی هستند نسبت به خارج شدگان دارای مهارت، سواد و سرمایه کمتری دانست و این فرض از مقایسه محیط روستایی و شهری می‌تواند انطباق زیادی با واقعیت داشته باشد. با توجه به این نکته که امر رشد و توسعه به‌طور عام و در صنعت به‌طور خاص به میزان، و تراکم سرمایه‌های مادی و انسانی ارتباط دارد، در حرکت جمعیتی مذکور، می‌توان از دست رفتن امکانات توسعه شهر مینه را در اثر مهاجرت سرمایه‌های آن با مهاجرت پذیری آن، اندکی جبران شده دانست.

سواد: از جمعیت حدود ۵۳ هزار نفری ۶ سال و بیشتر شهری میان ۱۹ درصد باسواد هستند ولی در برابر ۷۷ درصد نسبت باسوادان مرد، زنان تنها ۱۱ درصد باسواد هستند (سرشماری ۱۳۶۵ مرکز آمار ایران). با توجه به اهمیت دانش و سواد در توسعه و به‌ویژه در توسعه صنعتی بالا بودن بی‌سوادی به‌ویژه در زنان، به گونه‌ای کم هزینه می‌باید از میان برداشته شود، به‌ویژه اگر باسواد کردن با آگاه کردن همراه باشد، آمادگی نیروی انسانی برای توسعه به‌طور شایسته‌تری انجام خواهد شد. توسعه درون‌زا لازمه‌اش مشارکت فعال انسان‌ها در کلیه مراحل تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت، تصحیح و بالاخره تکمیل اقدام‌های انجام شده است و برای چنین نوع مشارکتی باسواد بودن کافی نیست، بلکه دوست داشتن زادگاه، عشق به ایران و ایرانی و سرفرازی آن نه از طریق القایی، بلکه از طریق خودآگاهی و عمل برخاسته از درون‌نسان، ضرورت دارد. تنها از طریق ایجاد چنین روابطی در بین اهالی شهرستان میان به‌وسیله آموزش‌های متقابل و ایجاد تشکلهای مفیدی که ثمره فعالیت‌های ایران دوستی را به تک‌تک آنان به‌طور عینی برساند،

می‌توان جنو مهاجرت‌های ویرانگر از این شهرستان به ویژه از میانه را که نسل‌های مهاجر آن از سال ۱۳۰۰ تاکنون (حداقل چهار نسل) را گرفت و با انباشت سرمایه‌های انسانی و مادی و به کار انداختن آن در امور تولیدی و به ویژه در صنعت، توسعه را تامین کرد. در چنین شرایطی است که امر رشد و توسعه، درون‌زا، خودپو، داوطلبانه و بدیهی می‌شود و بخش اعظم هزینه‌های آن را خود اهالی به دلیل موثر بودن آن در دگرگونی وضع نامساعد کنونی‌شان می‌پردازند. رسالت باسوادان و کارشناسان میانه‌ای در آموختن و آموزاندن به دیگران و ایجاد محیطی پرکشش برای تحقق از میان برداشتن بی‌سوادی و ناآگاهی در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی، انکارناپذیر است و همه چیز به میزان مشارکت خلاقانه آنان مربوط می‌شود.

اشتغال: از جمعیت ۶۶ هزار نفری شهر میانه در سال ۱۳۶۵، تنها ۱۴/۲ هزار نفر و یا ۲۱/۵ درصد دارای شغل بوده‌اند. بقیه افراد کمتر از ده سال (۳۱/۸ درصد)، بیکار (۴/۴ درصد)، محصل (۱۸/۲ درصد)، خانه‌دار (۲۲/۴ درصد) و دارای درآمد بدون کار (۰/۷ درصد) بوده‌اند (ماخذ پیشین). فشار شدید به شاغلین که تقریباً یک پنجم جمعیت می‌باشند و لزوم دگرگونی وضع با افزایش اشتغال به ویژه برای خانه‌داران از طریق ایجاد صنایع کوچک خانگی از بررسی ارقام مزبور مشاهده می‌شود. بالا بودن میزان جمعیت کمتر از ده سال - ۵۰ درصد جمعیت میانه - نه تنها لزوم آموزش و پرورش عمیق و بهنگام آنان را مطرح می‌سازد، بلکه تدارک اشتغال آنان به ویژه در صنعت را در انطباق با امکانات و رشد آن ضروری می‌سازد.

از ۱۴ هزار نفر شاغل در شهر میانه حدود ۱۳ هزار نفر را مردان و تنها یک هزار نفر و یا ۷/۳ درصد را زنان تشکیل می‌دهند (ماخذ پیشین). این امر نقش اقتصادی اندک زنان و لزوم مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی به ویژه در صنعت حداقل در صنعت خانگی را برای دگرگونی وضع و کاهش فشار بار مالی شاغلین مرد و بروز شکوفایی استعدادهای زنان که از ضروریات توسعه درون‌زا

می‌باشد را، نشان می‌دهد. آمارهای مزبور نشان‌گر وضعی به مراتب ناپه‌نچارتر از سطح ملی است.

اشتغال و نوع فعالیت: از حدود ۱۴ هزار نفر شاغل در شهر میانه در ۱۳۶۵ حدود ۵۷/۵ درصد در بخش خصوصی و حدود ۴۰ درصد در بخش عمومی اشتغال داشته‌اند (سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۶۵ مرکز آمار). این امر از یک سو اهمیت فعالیت‌های دولتی را در میزان اشتغال شهر میانه نشان می‌دهد و تاثیر مهم آن در رونق بازار شهر و از سوی دیگر بیانگر کمبود سرمایه‌گذاری از سوی بخش خصوصی و ایجاد اشتغال به وسیله آنان، می‌باشد.

از حدود ۱۴/۲ هزار نفر شاغل در شهر میانه ۲۳/۴ درصد بی‌سواد هستند. ولی از بقیه شاغلین که با سواد هستند، تنها ۲۶/۸ درصد دارای تحصیلات دیپلم و به بالا می‌باشند و ۶/۹ درصد دارای تحصیلات عالی (ماخذ پیشین). این امر از یک طرف علل کمبود بازدهی کار و از سوی دیگر حضور آگاهانه اندک نیروی کار را نشان می‌دهد. دگرگونی وضع موجود و از میان برداشتن بی‌سوادی و کم‌سوادی در محیط کار برای توسعه درون‌زا و به‌ویژه توسعه صنعت با معیارهای دنیای کنونی، اقدام اولیه به‌شمار می‌آید.

از ۲۹۳۲ نفر جمعیت بیکار و یا در جستجوی کار (در صورت عدم مراجعه فرد بیکار به مراکز کاریابی، بنابر معیار آمارگیری بیکار به‌شمار نمی‌آید) در سال ۱۳۶۵ در میانه حدود ۸۴/۴ درصد را مردان تشکیل می‌دادند. از نظر سنی ۶۱ درصد بیکاران در گروه سنی ۲۴-۱۰ ساله بوده‌اند. از نظر سواد ۲۹ درصد بیکاران ۱۰ ساله و بیشتر بی‌سواد بوده‌اند و ۵/۲ درصد از بی‌کاران دارای تحصیلات راهنمایی یا متوسط بوده‌اند (ماخذ پیشین). درصد بالای بیکاران تحصیل کرده راهنمایی یا متوسط بیانگر کمبود امکانات برای اشتغال این گروه‌های بی‌کار از یک سو و عدم انطباق تحصیلات آنان با شرایط عینی جامعه مزبور از سوی دیگر است. عدم انطباق آموزش در سطوح گوناگون با نیازهای کشور از جمله موانع توسعه درون‌زا به‌شمار می‌آید.

موقعیت مکانی و امکانات: شهر میانه از نظرات مختلفی دارای وضعیت مناسبی برای توسعه و از جمله توسعه صنعتی است. نخست به لحاظ واقع شدن بر سر راه آسفالت تهران - تبریز، میانه - اردبیل. در صورت ایجاد راه مناسب میانه به خلخال و سپس اسالم در کنار دریای خزر و میانه به مراغه که به راه‌های کردستان و آذربایجان غربی می‌انجامد و در مسیر راه آهن تهران - تبریز واقع شدن، موقعیت بسیار مناسبی را در اختیار میانه و توسعه آینده صنعتی آن قرار داده است. منتها به دلیل عدم استفاده از امکانات، این موقعیت تاکنون بیشتر منجر به از دست دادن امکانات مادی و انسانی به سود دیگر شهرها شده است.

شهر میانه به دلیل هم‌جواری با چهار رودخانه از جمله قزل‌اوزون و سفیدرود نیز دارای موقعیت بسیار مناسبی برای توسعه صنعتی و کشاورزی چه از طریق مهار آب‌ها و چه استفاده بهینه از آب‌های جاری موجود با دگرگونی در شیوه‌های آبیاری، دگرگونی در تولید محصولات کشاورزی و ایجاد صنایع کوچک و بزرگ غذایی و غیره می‌باشد.

استفاده از آثار مذهبی تاریخی میانه (مسجد جامع، امامزاده اسماعیل نپه ساسانی، قلعه دختر و پل دختر و آثار تاریخی پراکنده در مناطق روستایی از جمله خرابه شهر کاغذکنان، کاروانسرای شاه عباسی جمال‌آبد و ترکمان که محل انعقاد قرارداد ترکمانچای می‌باشد و مسجد سنگی ترک) می‌تواند جاذبه‌های گوناگونی برای زیارت و سیاحت به نفع توسعه میانه و صنایع آن پدید آورد. در این مورد علاوه بر شناساندن این آثار تاریخی به خود اهالی و دیگر هموطنان، آماده‌سازی این آثار و ایجاد مهمانسراها مناسب در ایجاد جاذبه‌های مزبور موثر خواهد بود.

با توجه به سابقه - بیشتر از هزار سال - این شهر و تداوم فرهنگ کهن شهرنشینی و صنعتی در فرهنگ کنونی مردم این شهر و شهرستان می‌توان با تجهیز نیروی کار به دانش و فنون جدید بر پایه امکانات ذهنی و فرهنگی موجود، سخت‌کوشی نیروی کار این دیار را با نیازهای جدید صنعتی تنفیق کرد و توسعه

صنعتی شهر و نقاط روستایی شهرستان میانه را با هزینه‌های کمتری تامین کرد.

### فصل دوم - وضع نقاط روستایی شهرستان میانه

جمعیت: شهرستان میانه در سال ۱۳۶۵ دارای ۴۲۱ آبادی بوده که ۲۹ آبادی خالی از سکنه بوده‌اند. جمعیت نقاط روستایی این شهرستان در سال ۱۳۶۵ حدود ۱۷۷ هزار نفر بوده که در هر آبادی دارای سکنه (۳۹۲ آبادی) به طور میانگین تنها ۴۵۲ نفر زندگی می‌کرده‌اند (سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۶۵ مرکز آمار). خالی بودن ۲۹ آبادی از سکنه و جمعیت اندک هر روستا مشابه دیگر روستاهای کشور، علاوه بر رها کردن امکانات عدم وجود حداقل‌های تمرکز انسانی در مناطق روستایی را برای تقسیم کار اجتماعی ضروری برای توسعه نشان می‌دهد. در بازدید از روستاها اغلب در اثر مهاجرت، دچار کاهش جمعیت و تعداد خانواد نسبت به گذشته بودند.

سواد و شاغلین: از جمعیت ۱۴۰/۹ هزار نفری ۶ ساله و بیشتر نقاط روستایی شهرستان میانه در سال ۱۳۶۵ تنها ۶ درصد باسواد بوده‌اند که تعداد مردان باسواد تقریباً دو برابر زنان باسواد بوده است. شاغلین مناطق مزبور ۳۵/۴ هزار نفر بوده‌اند که حدود ۲۵/۲ درصد جمعیت ۶ ساله و بیشتر و حدود ۲۰ درصد کل جمعیت مناطق روستایی این شهرستان بوده‌اند. از شاغلین مزبور ۹۸ درصد را مردان و ۲ درصد را زنان تشکیل می‌داده‌اند (ماخذ پیشین). بی‌سوادی بالا به‌ویژه در بین زنان و اشتغال پائین به‌ویژه در مورد زنان روستایی کاملاً چشمگیر است. البته در مورد اشتغال در محیط روستایی به دلیل چگونگی تعریف کار از سوی مرکز آمار ایران (کار، هر فعالیت فکری یا بدنی است که قانوناً مجاز باشد و به منظور کسب درآمد نقدی یا غیرنقدی، صورت می‌گیرد). نسبت به نقاط شهری وضع تفاوت می‌کند. در محیط روستایی، به دلیل خود مصرفی فعالیت‌های اقتصادی خانگی گوناگونی از سوی زنان صورت می‌گیرد ولی منجر به کسب درآمد نمی‌شود، منتها مستقیماً بار مالی اقتصادی خانواده را کاهش می‌دهد، زنان بیکار به شمار آمده از نظر آماری مشابه زنان بیکار شهری

نیستند.

امکانات: از آبادی‌های شهرستان میانه تنها ۲۵ آبادی و یا ۶/۴ درصد دارای جاده آسفالت‌ه در سال ۱۳۶۵ بوده‌اند، در حالی که ۳۱/۴ درصد دارای جاده شنی و ۵۹ درصد جاده خاکی و ۷/۴ درصد دارای راه مالرو بوده‌اند (ماخذ پیشین). کمبود راه به عنوان زیربنای توسعه صنعتی از این ارقام کاملاً برمی‌آید.

از ۳۹۲ آبادی دارای سکنه شهرستان میانه در سال ۱۳۶۵، ۳۳۳ آبادی دبستان، ۵۳ آبادی مدرسه راهنمایی و ۳ آبادی دبیرستان وجود داشته است و این امر میزان بالای بی‌سوادی را نشان می‌دهد. از ۳۹۲ آبادی مزبور تنها ۷۴ روستا دارای حمام، ۲۵ روستا دارای مرکز بهداشتی و درمانی، ۲۲ آبادی دارای پزشک و ۳۹ آبادی دارای بهیار و نمای روستایی بوده‌اند (ماخذ پیشین).

در حالی که در مناطق روستایی مزبور در سال ۱۳۶۵، ۲۹۵/۵ هزار راس گوسفند، ۹۵/۸ هزار راس بز و ۵۳/۵ راس گاو و ۵/۸ هزار راس گاو میش وجود داشته، تنها ۱۴ روستا دارای دامپزشک و تکنسین دامپزشکی بوده‌اند (ماخذ پیشین). ارقام مزبور علاوه بر نارسایی خدمات آموزشی و بهداشتی برای مردم روستایی این مناطق کمبود شدید خدمات دامپزشکی را برای دام‌های روستایی نشان می‌دهد. در همین مناطق در همین سال با توجه به این که ۵۲۶ امکان مذهبی اعم از مسجد (۳۵۷)، حسینیه (۱۲۹)، امامزاده: (۳۲) و سایر (۸) وجود داشته که ۷ برابر تعداد روستاهای دارای حمام می‌باشد، می‌توان فقدان امکاناتی مانند گرمابه را تنها ناشی از فقر ندانست، بلکه عدم آگاهی بر ضرورت داشتن آن دانست، چنانچه ناسیسات مذهبی مزبور به دلیل اهمیت آن برای مردم و باور آنان در همین مناطق در همان شرایط مالی به وجود آمده است (ماخذ پیشین). خود اهالی در ایجاد امکانات بهداشتی، آموزشی و دامپزشکی مزبور اقدام مناسبی نمی‌کنند و یا نمی‌توانند انجام دهند. در اثر نبود و یا کمبود این امکانات پرورش نیروی کارآمد انسانی نارسا، کارآیی انسان‌ها در اثر بیماری‌دچار اختلال و بازدهی فعالیت‌های اقتصادی نامطلوب و در مورد فعالیت دامی به دلیل

عدم مراقبت‌های لازم بازدهی دچار اندک و در نتیجه این عوامل فقر بازسازی می‌شود. وجود امکانات سیاسی و اداری در نقاط روستایی مزبور که شامل ۳۲۰ آبادی دارای شورای اسلامی روستایی، ۹ آبادی دارای دفتر جهاد سازندگی، ۸ آبادی دارای مرکز خدمات روستایی و ۳۲ آبادی دارای پایگاه مقاومت بسیج می‌باشد (ماخذ پیشین)، بیانگر حداقل‌های اولیه برای تحقق توسعه به‌ویژه توسعه صنعتی است. آموزش و بکارگیری این نیروها برای تحقق توسعه درون‌زا به‌ویژه توسعه صنعت در شهرستان میانه امری است که حرکت اولیه توسعه به‌شمار می‌آید.

فعالیت اقتصادی: فعالیت کشاورزی در آبادی‌های شهرستان میانه بدین گونه بوده است: ۳۸۳ آبادی دارای فعالیت زراعی، ۲۱۹ آبادی دارای فعالیت باغداری ۲۶۹ آبادی دارای فعالیت دامداری و دامپروری، ۶۹ آبادی دارای پرورش طیور و ۸۰ آبادی دارای پرورش زنبور عسل. در حالی که در هیچ آبادی فعالیت پرورش کرم ابریشم و پرورش ماهی وجود نداشته است (ماخذ پیشین). کمبود فعالیت‌های مربوط به پرورش مرغان و پرورش زنبور عسل و نبود پرورش کرم ابریشم و پرورش ماهی، از نقاط ضعف فعالیت‌های کشاورزی این مناطق می‌باشد که با بررسی مشکلات عدم توسعه و عدم وجود آن، می‌توان شرایط رشد و توسعه آبادی‌های مزبور را فراهم کرد. ایجاد صنایع مربوط به بسته‌بندی و تبدیل محصولات کشاورزی مزبور نیز می‌تواند ضمن افزایش اشتغال، سود فعالیت‌های کشاورزی را افزایش داده و شرایط مناسب انباشت را به‌جای کوچ و مهاجرت فراهم سازد. با توجه به فضای طبیعی (کوهستانی بودن) مناطق روستایی مزبور و پیشینه توسعه آن، تکیه مشخص بر فعالیت‌های باغداری و ایجاد صنایع خشکبار و بسته‌بندی آن مناسب دارد.

از ۳۹۲ آبادی دارای سکنه شهرستان میانه، آبادی‌های دارای واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی بدین شرح می‌باشند: آسیای آرد ۱۹۸، بخاری ۷۳، آهنگری ۲۲، فروشگاه تعاونی ۶۷، نفت فروشی ۱۰۸، بقالی ۲۰۰، قصابی ۴۴، قهوه‌خانه ۶۸، بانک ۱، تعمیرگاه ماشین‌آلات کشاورزی ۴، تعمیرگاه دوچرخه و

موتورسیکلت ۱۰ بادی می باشد (ماخذ پیشین). با وجود کمبود در بسیاری از زمینه‌ها به ویژه در مورد تعمیرگاه و شعبه بانک، ولی وجود حداقلی از فعالیت‌های صنعتی و خدماتی در مناطق روستایی مزبور، امکان توسعه و گسترش آن‌ها را با رفع ننگناهای ریشه‌آنها میسر می‌سازد. البته وجود فعالیت‌های صنعتی خانگی مشابه فعالیت‌های دامداری و دامپروری در مناطق روستایی مزبور با بررسی مشکلات آن‌ها و ایجاد شرایط گسترش این واحدها، می‌تواند مجموعه‌ای پویا و بهم پیوسته را برانگیزد و توسعه این شهرستان به ویژه در زمینه صنعت و آن‌هم صنعت درون‌زا فراهم آورد.

### ● نتیجه گیری

توسعه، «چنان دگرگونی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کمی و کیفی، مادی و معنوی در جامعه است که ضمن قطع وابستگی‌های گوناگون به خارج، جریان خروج و فرار سرمایه‌ها و مغزها را از کشور به جریان انباشت سرمایه (به ویژه صنعتی) و مغز (به ویژه تونید کنندگان دانش و فن) در داخل تبدیل کند و کشور را در جرگه کشورهای توسعه یافته جهان قرار دهد...». از طرفی توسعه ایران از توسعه تک استان‌ها و شهرستان‌ها حاصل می‌شود و می‌باید امواج توسعه بخش از درون هر خانواده و هر محله و دهکده‌ای سرچشمه گیرد. با توجه به آن چه که تا کنون گفته شد، می‌توان پیشنهادهایی به این شرح ارائه داد:

۱) نفویت فضای فرهنگی مناسب توسعه و ایجاد تشکلهای گوناگون از جمله تعاونی‌های خرید و فروش، تعاونی‌های تولید، تشکلهای مربوط به گسترش فضای سبز، تشکلهای برای ارائه خدمات آموزشی، بهداشتی، آمیزشکی رایگان و یا با قیمت نازل، تشکلهای سازماندهی گروه‌های پژوهشی به منظور شناخت مشکلات و موانع توسعه صنعتی و پیدا کردن راه حل برای آن‌ها، ایجاد تشکلهای در بین میانه‌های سایر شهرها برای جلب آنان جهت توسعه شهرستان میانه.

۲) شناسایی ساز و کارها و عوامل خروج مازادها و انسانی از شهرستان میانه و یافتن راه‌حلهایی برای کاهش خروج، قطع و بلاخره وارونه کردن جریان‌های خروجی و انباشت در محل.



۲) تطبیق تولیدات کتونی با مصرف کتونی در شهرها. برخی تولیدات کتونی دارای بسته بندی مناسب نیستند (مثل غسل تولید شده) و برخی دارای نوع محصول مناسب برای صدور از محل نیستند (مثل ماست و شیر).

۴) شناسایی امکانات برای بهره برداری از معادن شهرستان میانه. در بهره برداری از معادن، خام فروشی آن ها ارزش افزوده بالایی را پدید نمی آورد، تبدیل آن به کالاهای مصرفی در محل نیز ضرورت دارد.

۵) شناسایی تولیدات محلی مثل فطیر میانه، گل قند، ماست گاو میش و غیره و افزایش تولید بسته بندی مناسب آن برای مصرف داخلی و صدور به دیگر نقاط ایران، به ویژه با استفاده از تردد وسایل نقلیه حاده ای در شهر میانه و در ایستگاه راه آهن.

۶) تقویت واحدهای صنعتی موفق و ارائه امکانات برای ایجاد صنایع غذایی مرتبط با تولیدات زراعی و دامی در هر روستا و در کل شهرستان.

۷) ایجاد برخی از صنایع که مواد اولیه آن و نیروی کار ماهر آن در محل موجود است، مانند بافندگی، دوزندگی و...

۸) شناسایی واحدهای صنعتی که توسط میانه می تواند در نقاط دیگر کشور ایجاد شده اند و ایجاد انگیزه برای دایر کردن شعبه آن ها در میانه.

۹) متحد کردن تولید کنندگان کوچک صنعتی روستایی برای تامین حجمی نیازهای خود و بازاریابی تولیدات خود.

۱۰) برآورد هزینه های انجام شده توسط بخش دولتی و خصوصی این شهرستان و تدوین برنامه ای برای هزینه کردن آن در خود شهرستان چه از طریق افزایش امکانات تولیدی کشاورزی، صنعتی و خدماتی در محل و چه از طریق ایجاد علاقه در مسئولین و مردم در ترویج تولیدات شهرستان به تولیدات دیگر نقاط کشور و به ویژه به تولیدات حاجی.

۱۱) استفاده از احرام مالیاتی و عوارض شهرداری و دیگر حقوق دولتی برای تشویق تولید کنندگان و بازداشتن فعالیت های انگلیسی.

۱۲) با توجه به کوچ شدیدی به ویژه از روستاها، می توانند بپیری در جهت جلوگیری از آن و با جلوگیری از تلف شدن امکانات تولیدی صورت داد، مثلاً می توان زمین های کسانی را که از روستا کوچ می کنند در اختیار کسانی که می مانند و یا حاضر به تولید و ساکن شدن در همان روستا هستند قرار داد.

۱۳) ایجاد فضاهای مناسب جذاب در شهر میانه و روستاهای آن چه بازاری آثار مذهبی و

تاریخی و چه نوسعه فضای سبز.

۱۴) مهار آب‌های جاری با استفاده از فنون و مصنوعات محلی و با ناکید بر خودیاری مردم، چه ران سدهای حاکمی و کوچک و چه ایجاد دیوارهای مناسب برای هدایت آب از عمق به سطح (این دیوارها از بلندی‌ها آغاز و بر زمین‌های پائین آب را جاری می‌سازد). ایجاد آبیگرها، استخرهای مصنوعی و سپس ماهی‌دار کردن آن‌ها نیز خروج سریع آب‌ها از منطقه جلوگیری و امکانات آبیاری را فزون می‌سازد.

۱۵) ایجاد مرکزی متشکل از مسئولین شهرستان به نام مدیریت نوسعه شهرستان جهت شناسایی امکانات دولتی و هدایت آن‌ها و تدوین برنامه نوسعه شهرستان و پی‌گیری آن.

۱۶) بازسازی مدیریت‌های متمرکز روستایی (مشابه کدهای سابق) به وسیله روی‌گیری در هر ده یا هدف مسئول نوسعه هر روستا و نمایندگی مردم چه برای احقاق حقوق آنان و چه برای تمرکز مساعی آنان در جهت نوسعه روستا.

۱۷) با توجه به مصاحبه‌های فراوان با اهالی اعم از ساکنان شهر میانه و روستاها، و وجود این باور که نوسعه و عدم نوسعه تنها از بیرون می‌آید و مسئول آن دولت است و عملاً ارتباطی به کوشش و خواست آنان ندارد، تهیه برنامه‌ای برای ارتباط نزدیک‌تر مردم و مسئولین با دادن اطلاعات به مردم از امکانات دولتی و اقدامات انجام شده و نتایج آن.

۱۸) فعال کردن تشکلهای موجود و تشکیل گروه‌های پیگیری به شکایت‌های مردم و ایجاد اعتماد به نفس و جدیت در آنان برای مشارکت در امور.

۱۹) برخی سختی کار روستایی را با توجه به درآمد آن از علل مهاجرت ذکر کرده‌اند. گرچه کاهش سختی کار کشاورزی با ماشینی شدن آن صورت می‌گیرد و نیازمند نوسعه صنعتی واقعی کشور می‌باشد، ولی دیگر گویی در نوع محصول و دام و استفاده از فنون جدید و برخی از ماشین‌آلات ساده، می‌تواند از شدت سختی کار کشاورزی بکاهد.

۲۰) ایجاد مرکزی برای دادن اطلاعات درباره امکانات تولیدی شهرستان چه صنعتی و کشاورزی و چه معدنی.

۲۱) نوسعه صنایع خانگی اعم از نساجی مثل فرش و گلیم، غذایی مثل تولید خیابان شور، رب گوجه فرنگی، خشکبار.

۲۲) افزایش تعداد مسئولین دولتی میانه‌ای.

۲۳) تدوین برنامه صنعتی شدن میانه و افزایش آموزش مشاغل ویژه شهرستان چه در زمینه اطلاعات جغرافیایی، تاریخی، کشاورزی، معدنی، صنعتی و چه انواع حرفه‌های موجود و تکمیل آن. ■